

یادداشت



رسول کرکیندی

سرمربی سابق تیم فوتبال سپاهان و ذوب آهن

بازیکن سالاری؛ محصول امتیازهای بی حد و مرز

امتیازهای بی حد و حصر در قرارداد بازیکنان، یکی از عواملی است که به گسترش بازیکن سالاری در فوتبال ایران دامن می‌زند. بازیکنی که با قراردادی هنگفت پیراهن یک باشگاه را بر تن می‌کند، طبیعتاً باید وظایف حرفه‌ای خود را در قبال تیمش انجام دهد؛ اما وقتی در کنار رقم‌های نجومی قرارداد، امتیازهای دیگری نیز به او داده می‌شود، آرام‌آرام مرز میان «وظیفه» و «امتیاز» از بین می‌رود.

وظیفه گلر، دفاع از دروازه تیم است و مهاجم نیز باید برای گلزنی تلاش کند. حال اگر یکی از بندهای قرارداد آنها پرداخت پاداش به شرط انجام همین وظایف، یعنی گل نخوردن یا گلزنی، باشد، روشن است که چنین امتیازهایی بیش از آنکه به موفقیت تیم کمک کند، زمینه را برای نهادینه شدن بازیکن سالاری فراهم می‌کند. بازیکنی که بابت انجام وظیفه اصلی خود پاداش ویژه می‌گیرد، به‌تدریج ممکن است این تصور را پیدا کند که جایگاهش فراتر از مسئولیتی است که برای آن قرارداد بسته شده است.

در چنین شرایطی، برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و رفتار باشگاه و مربی تیم نیز اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. وقتی اصول فوتبال قربانی نتیجه‌گرایی و برد و باخت شود، طبیعی است که ساختار حرفه‌ای تیم آسیب ببیند. نتیجه چنین رویکردی آن است که بازیکن به‌تدریج خود را بالاتر از مربی و حتی مدیر باشگاه تصور کند و برای خود اختیاراتی فراتر از چارچوب تعریف‌شده قائل شود.

در حالی که باید با چنین روندی از همان ابتدا مقابله شود، اما در عمل، زمانی که مربی در برابر بازیکنان خاخی می‌ایستد و می‌خواهد نظم و انضباط را حاکم کند، برخی بازیکنان با اقداماتی خارج از اصول حرفه‌ای فوتبال دنیا و با شکایت به مقام بالاتر، خیلی راحت زمینه تغییر مربی را فراهم می‌کنند و او را از سر راه خود برمی‌دارند.

این چرخه زمانی خطرناک‌تر می‌شود که مربی با کسب پیروزی و نتیجه، برای خود اسم و رسم پیدا می‌کند و مدیر باشگاه نیز به دلیل همان نتایج در خیم خود ابقا می‌شود. در چنین شرایطی، اگر نتیجه‌گرایی بدون توجه به اصول حرفه‌ای فوتبال دنبال شود، بدون شک به بازیکن سالاری دامن خواهد زد؛ چراکه همه چیز به نهایت به برد و باخت گره می‌خورد و اصول مدیریتی و انضباطی به حاشیه رانده می‌شود.

اگر امروز بازیکن سالاری در لیگ برتر فوتبال ایران بیداد می‌کند، بی‌تردید یکی از دلایل اصلی آن این است که باشگاه‌ها بسیاری از اصول حرفه‌ای حاکم بر فوتبال دنیا را زیر پا گذاشته‌اند. وقتی قانون برای همه یکسان نباشد، وقتی قراردادهای سرشار از امتیازهای خارج از چارچوب باشند و وقتی جایگاه و وظایف افراد در ساختار یک تیم به‌درستی تعریف نشود، طبیعی است که چارچوب حرفه‌ای فوتبال از هم گسسته شود.

از سوی دیگر، تداخل وظایف بازیکن، مربی و مدیر باشگاه نیز بیش از پیش این چارچوب را از بین می‌برد. هرکس باید جایگاه، مسئولیت و حدود اختیارات خود را بشناسد. بازیکن باید بازیکن باشد، مربی باید مسئول فنی تیم باشد و مدیر باشگاه نیز باید در جایگاه مدیریتی خود تصمیم‌گیری کند. هنگامی که این مرزبندی از بین می‌رود، نظم تیمی نیز قربانی می‌شود و بازیکن سالاری مجال بیشتری برای رشد پیدا می‌کند.

بنابراین، باید پدیده بازیکن سالاری مقابله کرد؛ چرا که سکوت در برابر آن، همان مسیری است که فوتبال ایران در آن قدم گذاشته و ادامه این مسیر، هیچ نتیجه‌ای جز نابودی ساختار حرفه‌ای فوتبال نخواهد داشت.

چالش بازیکن سالاری تنها با شعار و برخوردهای مقطعی برطرف نمی‌شود. این معضل نیازمند برنامه‌ریزی، نظم و قانون است؛ قانونی که برای همه یکسان اجرا شود و اجازه ندهد هیچ بازیکنی، صرف‌نظر از نام، شهرت یا مبلغ قراردادش، خود را بالاتر از تیم، مربی و ساختار باشگاه بداند. اگر قرار است فوتبال ایران از این چرخه خارج شود، باید از بازگرداندن نظم، تعریف دقیق مسئولیت‌ها و پایان دادن به امتیازهای بی حساب و کتاب آغاز کرد.

یادداشت



اکبر مiftakhanov

مربی فوتبال

بازیکن سالاری تاوان سختی دارد

حضور مدیران غیرمتخصص یکی از دلایل اصلی گسترش پدیده بازیکن سالاری است و در حال حاضر، با امکان برگزاری لیگ تمام‌ایرانی و همانند دو سرمربی جوان، می‌توان این فرهنگ غلط را از بین برد.

پدیده‌ای که کمر فوتبال را می‌شکند، اما مبارزه با آن نیز کم‌رشدکن است و تاوان سختی دارد. با وجود شعارهای فراوان، این پدیده به‌وفور در تیم‌های فوتبال ما وجود دارد و به شکل عجیبی نهادینه شده است. توجه خاص تماشاگران، مدیران و مسئولان یک تیم، خواسته یا ناخواسته، در طول این سال‌ها پدیده اشتباه بازیکن سالاری را با قوت حفظ کرده و مانع از خشک شدن ریشه آن شده‌اند.

مشکل از جایی است که مسئولان یک باشگاه و تماشاگران آن نمی‌توانند مرز بین توجه خاص و احترام را از یکدیگر جدا کنند؛ در نتیجه، احساسات جای نگاه عقلانی را می‌گیرد و مصلحت یک باشگاه و تیم فدای یک بازیکن می‌شود.

اکنون با حضور مربیان ایرانی در باشگاه‌های حاضر در لیگ و به‌واسطه جوان بودن آنها، می‌توان این پدیده را تا حدود زیادی کنترل و برای آن بین بردن آن تلاش کرد. هرچند تا به اینجای لیگ، برخی بی‌انضباطی‌ها و بدرفتاری‌ها با واکنش برخی مربیان روبه‌رو نشده، ولی باید فرصت داد؛ چون مربیگری بسیار سخت است و نمی‌توان در لحظه تصمیم گرفت.

سال‌هاست مربیان خارجی در ایران فعالیت می‌کردند و به‌دلیل اینکه مسئولیتی در مقابل فرهنگ فوتبال ما نداشتند و به صرف نتیجه از خیلی موارد گذشت کردند و اصلاً خبری از برخورد قاطعانه نبود، ولی اکنون با لیگی تمام‌ایرانی باید مبارزه با این پدیده نامیوم به صورت جدی شکل بگیرد.

صداالبته برای مبارزه با بازیکن سالاری، وظیفه ی‌ر دوش یک نفر نیست. از مدیرعامل باشگاه‌ها گرفته تا مربیان و طرفداران و حتی رسانه‌ها، در این کار باید با هم همراه شوند. مدیرعامل، به عنوان متولی اصلی چنین امری، باید برنامه و نظارت داشته باشد و دیگران به او کمک کنند. حتی در این بین، نقش فدراسیون فوتبال پررنگ است. با معرفی بازیکنان متخلف در این زمینه، باید اجازه فعالیت را از آنان گرفت. متأسفانه بارها شاهد بوده‌ایم که به جای برخورد با بازیکن خاطی، فیرش قرمز پهن شده و با استفاده از این روش، نه‌تنها جریمه نشدند، بلکه جری‌تر هم شده‌اند.

«ایران» ضرورت مقابله با پدیده بازیکن سالاری در فوتبال را بررسی می‌کند

هیچ ستاره‌ای بالاتر از قانون نیست

بیشتری برخوردار است. اینجا همان نقطه‌ای است که حرفه‌ای‌گری قربانی مصلحت‌اندیشی می‌شود.

البته این قاعده درباره تمام فوتبال‌بست‌ها یکسان نیست. بسیاری از بازیکنان شناخته‌شده، حرفه‌ای، منضبط و متعهد هستند و اتفاقاً الگوی مناسبی برای نسل جوان محسوب می‌شوند. بنابراین بحث بر سر «ستاره بودن» نیست؛ بحث بر سر این است که هیچ ستاره‌ای نباید به واسطه جایگاهش انضباطی مواجه خواهد شد.

مشکل اما فقط بازیکنی نیست که قانون را زیر پا می‌گذارد. مشکل بزرگ‌تر، باشگاهی است که قانون را برای همه یکسان اجرا نمی‌کند. در فوتبال ایران، هنوز گاهی قیمت قرارداد، شهرت و تعداد دنبال‌کنندگان یک بازیکن، میزان جسارت باشگاه برای برخورد با او را تعیین می‌کند. هرچه بازیکن گران‌تر و مشهورتر باشد، ظاهراً از حاشیه امنیت

حسین چرخابی، مربی پیشین تیم سپاهان در گفت‌وگو با «ایران»:

مقابله با بازیکن سالاری غیرممکن نیست



عکس: فدراسیون فوتبال

مهری رنجبر/ بازیکن سالاری یکی از حاشیه‌های همیشگی لیگ برتر فوتبال ایران محسوب می‌شود؛ پدیده‌ای که گاهی رفتار و تصمیمات برخی بازیکنان، کام فوتبال را تلخ می‌کند. اما نکته قابل تأمل در این میان، سکوت معنادار برخی باشگاه‌ها و مربیان در برابر این اتفاقات است. در حالی که باشگاه‌هایی مانند استقلال و فولاد سپاهان و مربیان آنها، در برخورد با بازیکنان خاطی خود نشان داده‌اند که می‌توان مقابل بازیکن سالاری ایستاد و اجازه نداد این پدیده به یک رویه تبدیل شود.

حسین چرخابی، سرمربی اسبق فولاد سپاهان و یکی از مخالفان سرسخت بازیکن سالاری، در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است خشکاندن ریشه این معضل چندان دشوار نیست و راهکارهای مشخصی برای مقابله با آن وجود دارد:

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

چرخابی، باشگاه‌ها را یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و گسترش بازیکن سالاری در فوتبال ایران می‌داند و در این باره می‌گوید: «در فوتبال حرفه‌ای، انوثان برای باشگاه و بازیکن باید دوطرفه باشد، اما متأسفانه یکسری از باشگاه‌ها این انوثان

«بازیکن سالاری چالشی نیست که برای رفع آن راهکار وجود نداشته باشد. نمونه بارز آن در لیگ برتر، دو باشگاه استقلال و فولاد سپاهان با برخورد با بازیکنان خاطی خود نشان دادند. بنابراین مقابله با بازیکن سالاری غیرممکن نیست.»

مدیریت ضعیف و مشاوره‌های غلط در باشگاه‌های ما برمی‌گردد. پدیده‌ای که سال‌هاست ریشه دوانده و از نسلی به نسل آینده منتقل شده و همانند خوره، جسم و جان فوتبال را می‌خورد.» او در ادامه تأکید می‌کند: «شاید تیم‌های پرسپولیس و استقلال از این فرهنگ غلط بیشترین آسیب را دیده‌اند. گاهی بوده که این تیم‌ها با حضور بازیکنان مطرح و کلیدی و تبعیت از این فرهنگ، دستشان از مبدل شده است؛ چراکه این فرهنگ غلط روبه‌روز بیشتر می‌شود و این‌گونه تیم‌ها به پیروی از آن به ورطه سقوط کشیده می‌شوند. ولی خوشبختانه در فصل جدید، آبی‌پوشان پایتخت و طلایی‌پوشان اصفهانی با این پدیده در حال مبارزه‌اند و به قول معروف، سرمربیانشان هم معتقدند؛ ایستاده باید مرد.»

این کارشناس فوتبال ایران همچنین معتقد است

قرارداد فقط به معنای دریافت دستمزد نیست؛ تعهد به باشگاه، مربی، هم‌تیمی و مقررات را نیز شامل می‌شود. نمونه کریستیانو رونالدو در منچستریونایتد به‌خوبی این موضوع را نشان داد. ستاره‌ای با آن جایگاه و سابقه، پس از تخلف انضباطی با تصمیم مربی مواجه شد. پیام چنین برخوردی روشن بود؛ نام بزرگ، مجوز قانون‌شکنی نیست.

این همان حلقه مفقوده فوتبال ایران است؛ ما گاهی از بازیکن می‌خواهیم ستاره باشد، اما از باشگاه می‌خواهیم در برابر رفتار ستاره‌وار او کوتاه بایلد! چنین تناقضی به هیچ وجه نزد افکار عمومی پذیرفتنی نیست. پایان دادن به بازیکن سالاری نیازمند تصمیم‌های عجیب و پیچیده نیست. اول باید آیین‌نامه انضباطی بازیکنان تدقیق، شفاف و قابل اجرا باشد. بازیکن باید پیش از امضای قرارداد بداند هر تخلف چه پیامدی دارد. در گام بعدی، جریمه

را یک‌طرفه می‌کنند. وقتی بازیکن خود را تافته جداافتاده می‌داند، باشگاه هم به او امتیازات بی‌حدوحصر می‌دهد و البته این اتفاق در تیم ملی فوتبال هم رخ می‌دهد.»

او با اشاره به نحوه برخورد با بازیکنان تیم ملی پس از ناکامی در جام جهانی ادامه می‌دهد: «مثلاً وقتی تیم ملی در جام جهانی از مرحله مقدماتی بالا نیامد، اما فدراسیون به بازیکنان پاداش داد. در حالی‌که بازیکنان کهر و زاپن بعد از حذف، خود را شرمندۀ مردم کشورشان دانستند و عذرخواهی کردند. اما فدراسیون ما به بازیکنان پاداش داد؛ پاداش بابت چه؟»

مربی اسبق فولاد سپاهان معتقد است زمانی که در باشگاه‌ها رقابت واقعی وجود نداشته باشد، زمینه برای شکل‌گیری بازیکن سالاری فراهم می‌شود: «وقتی باشگاه‌ها به جای استفاده از بازیکنان آکادمی، بازیکنان درجه‌چندم خارجی می‌آورند و رقابتی در کار نباشد، ناخودآگاه بازیکن سالاری پیش می‌آید. اما اگر همه چیز طبق قانون و مقررات باشد، شرایط بهتری می‌شود و بازیکن سالاری هم شکل نمی‌گیرد.»

از نگاه چرخابی، اولین گام برای مقابله جدی با بازیکن سالاری، اصلاح قراردادهای بازیکنان است. او در این خصوص تأکید می‌کند: «در فوتبال حرفه‌ای باید قراردادها هم حرفه‌ای

تنظیم شوند. یعنی به جای قراردادهای چهار، پنج صفحه‌ای که فقط در آنها پاداش‌هایی به شرط انجام وظیفه نوشته شده است؛ مثلاً دروازه‌بان با کلین‌شیت پاداش می‌گیرد یا مهاجم به شرط گلزنی پاداش دریافت می‌کند، باید همه مسائل انضباطی، نحوه رفتار

و محرومیت باید بر اساس تخلف تعیین شود، نه بر اساس شهرت بازیکن. همچنین مدیران باید پشت مربی بایستند. نمی‌شود مربی را مسئول نظم تیم دانست و در اولین اختلاف، برای حفظ یک ستاره او را تنها گذاشت و در گام آخر، کمیته‌های انضباطی باشگاه‌ها باید از تصمیم‌های احساسی و مصلحتی فاصله بگیرند و رسیدگی به تخلفات را سریع و شفاف انجام دهند.

فوتبال بدون ستاره جذاب نیست؛ اما فوتبال بدون قانون هم حرفه‌ای نیست. ستاره باید در زمین تفاوت ایجاد کند، نه در اتاق مدیریت. بازیکن می‌تواند گران‌ترین قرارداد تیم را داشته باشد، اما نباید گران‌ترین تخلف را هم مرتکب شود و در نهایت هیچ اتفاقی برایش نیفتد. روز پایان بازیکن سالاری، روزی نیست که ستاره‌ها را حذف کنیم؛ روزی است که بفهمیم ستاره هم، مثل همه، در برابر قانون مسئول است.

با تماشاگران و بازیکنان حریف و تمام نکات لازم و مهم در قرارداد نوشته شود. در این صورت لازم نیست مربی مستقیماً با بازیکن برخورد کند و رسیدگی به بی‌انضباطی بازیکن هم به‌رعهده کمیته انضباطی خواهد بود. همین مسائل می‌تواند ریشه بازیکن سالاری را بخشکاند.»

چرخابی در ادامه، رسانه‌ها را نیز در قبال این معضل بی‌تقصیر نمی‌داند و برای آنها در مقابله با بازیکن سالاری نقش قائل است: «حتی رسانه‌ها هم در رفع این چالش نقش دارند؛ اگر به جای تمرکز روی مسائل مهم، روی غذای مورد علاقه و فیلمی که بازیکن دوست دارد روم نکنند.» چرخابی نتیجه سکوت در برابر بازیکن سالاری را چیزی جز آسیب دیدن فوتبال ایران نمی‌داند: «دود سکوت مقابل بازیکن سالاری مستقیم به چشم فوتبال ایران می‌رود. چرا که وقتی با بازیکن خاطی برخوردی نشود، بقیه هم از او یاد می‌گیرند و حتی بازیکنان جوان‌تر نیز همان رویه بی‌انضباطی را دنبال می‌کنند.»

او معتقد است گسترش حاشیه‌ها در نهایت فوتبال را از مسیر اصلی خود دور می‌کند: «وقتی حاشیه‌ها زیاد باشد، دیگر تمرکز روی مسائل فنی نیست و نتیجه‌ای جزافت و عقب‌ماندگی عاید فوتبال ایران نمی‌شود.»

مربی اسبق فولاد سپاهان در پایان، انضباط و رقابت سالم را لازمه پیشرفت فوتبال می‌داند و می‌گوید: «اما در مقابل، وقتی بازیکن منضبط باشد و روی اصول کار کند، رقابت بین بازیکنان افزایش پیدا می‌کند که همین موضوع باعث پیشرفت فنی آنها می‌شود و خود به خود فوتبال ایران هم روی دور رشد می‌افتد.»

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال با بازیکن سالاری به ورطه سقوط می‌رود

می‌شود. به نظرم زندگی یک فوتبال‌بست فیلمی نیست که ۵۰ بار کات بخورد و دوباره از اول آن را نگاه کنی و در آن تغییر ایجاد کنی؛ بلکه زندگی ما لایو است و اگر نتوانی از فحاشی، حرکات ناموزون و حتی حرف زدن اشتباه خودداری کنی، باید شغل‌ت را عوض کنی.»

مربی حال حاضر فوتبال کشورمان همچنین از ضرورت آموزش به فوتبال‌بست‌ها صحبت می‌کند: «زمانی که در آلمان و اتریش بازی می‌کردم، فردی داشتیم که به ما حرف زدن را یاد می‌داد؛ اینکه چه زمانی و به چه نحوی باید در زمین و خارج از میدان گفت‌وگو کرد. از طرفی، بودن افرادی که وزن فوتبالی بالایی دارند در هر تیمی واجب و ضروری است. آنها به اندازه شنیدن تقابل باشگاه و می‌توانند تیم را کنترل کنند. در کل باید گفت همکاری مربیان و باشگاه نقش زیادی در مهار این پدیده دارد.»

تعدادی از بازیکنان در پی گسترش همین پدیده، حتی عموورزشی کوتاه‌تری پیدا کرده‌اند: «وقتی بازیکن خارج از حیطه تیم، اصول مربی و باشگاه رفتار می‌کند، مشخص می‌شود که از مشاوره‌های غلط مدیر برنامه‌های خود- که تاکنون پیشان به توپ نخورده- استفاده کرده است. آنها همچنین دچار خودبینی شده‌اند و در این شرایط، گاهی عمر ورزشی‌شان نیز کوتاه می‌شود.»

مهدی پاشازاده، ترس را نیز یکی از عوامل شکل‌گیری باج‌خواهی از باشگاه و مربی می‌داند و می‌گوید: «ترس از میز، نیمکت و نتیجه، این پدیده نامیوم را ایجاد می‌کند و به همه چیز لطمه می‌زند. خود بازیکن فکری‌کند حق با اوست و تمرکزش را از دست می‌دهد. مدیر نیز در حیطه حمایت از بازیکن، به بدنه فوتبال باشگاه خود لطمه می‌زند و تیمش را در مسیری قرار می‌دهد که فرهنگ کار گروهی از بین می‌رود و تنش به سکوها منتقل



باید در تیم بزند، ولی با بازیکن سالاری دیگر مربی در تیم خود وجهه ندارد.» او می‌گوید: «بازیکن سالاری بزرگ‌ترین ضربه را به فوتبال می‌زند: «این روزها بعضی مربیان آماتور فکر می‌کنند بازیکن سالاری راه نجات آنهاست، اما نمی‌دانند اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوند که در نهایت به تیم و مربی آسیب جدی وارد می‌کند و این قضیه، جدای از ضربه به باشگاه، با ورود بازیکنان به تیم ملی، به تیم ملی لطمه جبران‌ناپذیری می‌زند. این روزها هیچ خبری از مدیر نیز در حیطه حمایت از مربیان در لیگ برتر با بازیکن سالاری، خوشحال‌کننده نیست.»

از تصمیم مربی می‌رسد و می‌خواهند خودشان تصمیم‌گیر باشند. شاید مربی در ظاهر خوشحال باشد، اما همین بازیکن سالاری ریشه مربی را در تیم می‌زند. در واقع، اگر جلوی بازیکن سالاری گرفته نشود، مثل خوره به جان تیم می‌افتد و آن وقت است که باید فاتحه تیم را خواند.»

غفور جهانی بازیکن سالاری را دلیل خرابی وجهه مربی تیم می‌داند: «وقتی این قضیه در تیمی شکل بگیرد، در واقع شرایط پیش‌آمده نه‌تنها به مربی کمک نمی‌کند، که شأن و جایگاه مربی را بین بازیکنان دیگر پایین می‌آورد. در صورتی که مربی قدرت دارد، حرف اول و آخر را

کنند تا پا نگیرد. مرحوم دهداری در دهه ۶۰، وقتی تعدادی از بازیکنان خواستند در کارش اختلال ایجاد کنند، خیلی راحت ۱۳ بازیکن را از تیم حذف کرد و بازیکنان جدیدی را جایگزین آنها کرد که هرکدام از آنها ستاره شدند.» او می‌گوید: «بعضی مواقع ضعف مربیان باعث می‌شود چنین ناهنجاری آفتی است که حالا در تیم‌های فوتبالی بیشتر از قبل می‌داند: «بازیکن سالاری است که حالا در تیم‌های فوتبالی بیشتر از دهه‌های قبل به چشم می‌آید. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هم این قضیه تیم‌ها را تهدید می‌کرد، اما آن زمان مربیان کارکشته‌ای مثل زنده‌یاد پرویز دهداری بلد بودند چطور با این قضیه برخورد

گروه ورزشی/ غفور جهانی، سرمربی اسبق تیم ملوان بندر انزلی، بازیکن سالاری را آفت فوتبال امروز می‌داند: آفتی که ریشه در ضعف مربی تیم دارد و اگر فکری برای تقابل با آن نشود، از فوتبال ایران چیزی باقی نمی‌گذازد. او در گفت‌وگو با «ایران»، شیوع بازیکن سالاری در فوتبال امروز را بیشتر از قبل می‌داند: «بازیکن سالاری است که حالا در تیم‌های فوتبالی بیشتر از دهه‌های قبل به چشم می‌آید. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هم این قضیه تیم‌ها را تهدید می‌کرد، اما آن زمان مربیان کارکشته‌ای مثل زنده‌یاد پرویز دهداری بلد بودند چطور با این قضیه برخورد

غفور جهانی، سرمربی پیشین ملوان پندرانزلی در گفت‌وگو با «ایران»:

بازیکن سالاری راه نجات مربیان آماتور است